

ظهور و گسترش شیخیه در کرمان در دوره قاجار*

محمد خداوردی تاج آبادی^۱

چکیده

گسترش شیخیه در کرمان، متأثر از عوامل متعددی بود که این پژوهش در پی بررسی آن عوامل و عملکرد شیخیه در این شهر است. بررسی داده‌های تاریخی بر اساس روش تحلیلی در تحقیق تاریخی نشان می‌دهد که عوامل چندی با دامنه تأثیرگذاری متفاوت در این جریان تأثیر داشته‌اند: آشفتگی اوضاع اجتماعی - فرهنگی و از آن جمله وضعیت عقیدتی و فکری در کرمان، نبود حوزه علمی و قفاهتی قوی در این شهر، همسایگی ولایت کرمان به یزد که اقامتگاه شیخ احمد احسائی بود، دلبستگی حکمران کرمان، ابراهیم‌خان ظهیرالدوله به علمایی چون به شیخ احسائی، گروه پسر او حاج محمد کریم‌خان به شیخ تا آنجا که از سید کاظم رشتی، دومین رهبر شیخیه، اجازه‌نامه دریافت کرد، و... از عوامل مهم گسترش شیخیه در کرمان است. استفاده حاج محمد کریم‌خان از پشتوانه‌های مادی و معنوی در کرمان و کوشش وی و جانشینانش در برگزاری مجالس وعظ، سخنرانی در مسجد و تدریس در مدرسه ابراهیمیه و تألیف کتب و رسائل مستقل درباره فقه و کلام شیخی به انسجام عقیدتی و اجتماعی این فرقه مذهبی کمک فراوانی کردند. واژگان کلیدی: کرمان، شیخیه، ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، حاج محمد کریم‌خان، قاجاریه، فرقه‌های مذهبی.

Emergence and Developing of Kerman's Sheykhid in Qajar Period

Mohammad khodaverdi Tajabadi²

Abstract

A variety of facts played role in expansion of Sheikhie in Kerman and this study tries to consider those facts and functions of Sheikhie in this city. study of historical facts, based on historical research method, shows social and cultural disturbance, especially in opinionative situation of Kerman, lack of strong canonic and scientific circle, Kerman's vicinity to Yazd Province - which was Sheikh Ehsai's residence, Inclination of Ebrahim Khan Zahirol-dole, Kerman's ruler, to Sheikh Ehsai, Haj Mohammad Karim Khan's (His son) tendency to Ehsai and receiving permission From Seyyed Kazem Rashti, are most important facts of this expansion. Also Haj Mohammad Karim Khan's use of Material and spiritual backings Kerman and His and His Succesor's acts in carrying Preach sermons, speeches in Mosques, Teaching in Ebrahimieh school, and compilation of books and epistles on Sheikhi canon Helped with This sect's social and opinionative cohesion.

Keywords: Kerman, Sheykhid, Ibrahimkhan Zahir - aldoleh, Sheikh Ahmad Ehsaii, Haj Mohammad Karimkhan's, Endowment, Ibrahimiy's School.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۱

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان

2. Assistant Professor of Science Committee Islamic Azad University of Sirjan. Email: khodaverdi1358@gmail.com

مقدمه

کرمان پس از ویرانی‌های دوره آقامحمدخان قاجار، در زمان ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، اندکی روی آبادانی به خود دید. در دوره وی شیخ احمد احسائی، موسس فرقه شیخیه (درگذشت: ۱۲۴۱ق) پس از آنکه در محضر علمای نجف و کربلا در فقه و اصول و اخبار صاحب علم و نظر گردید، در سال ۱۲۲۱ قمری برای زیارت مرقد امام رضا (ع) و عزیمت به مشهد، وارد ایران شد. او در سر راه خود مدتی در یزد اقامت کرد و در آنجا زبانزد علما و فضایی این شهر شد.^۳ وی دعوت خود را از یزد آغاز کرد و به تدریج شهرت و آوازه علم و اخلاقش در دیگر شهرها نیز فراگیر شد و نظریاتش در ایران انتشار یافت.^۴ آوازه او سبب شد تا فتحعلی‌شاه قاجار وی را به تهران دعوت کند، تا در آنجا سکونت گزیند، اما او این دعوت را اجابت نکرد. وی بیش از پنج سال در یزد اقامت کرد و به ترویج اصول اعتقادی مکتب خود پرداخت. به تدریج فراگیر شدن شهرت و آوازه او، باعث شد تا برخی از علما و فقها و والیان شهرهای دیگر از جمله والیان شهرهای کرمان (ابراهیم‌خان ظهیرالدوله) و کرمانشاه (محمدعلی میرزا) به او علاقه‌مند شوند و سوالات فقهی و اعتقادی خود را از وی بپرسند. احسائی نیز رساله‌هایی در جواب به آنان می‌نوشت و به‌سوی آنان می‌فرستاد.^۵ توجه ابراهیم‌خان ظهیرالدوله و فرزندان او به شیخ احسائی، زمینه ظهور مذهب شیخیه در کرمان و برخی از شهرهای آن ولایت را فراهم کرد. در این راه کوشش‌های حاج محمد کریم‌خان و سفرهای مکرر او به‌ویژه به عتبات برای حضور در محضر درس سید کاظم رشتی جانشین شیخ احسائی، تأثیر به‌سزایی در گسترش شیخیه در کرمان داشت. مقاله حاضر با بررسی نسخه‌های خطی و متون دینی شیخیه، بر آن است تا بر اساس روش تحلیلی در تحقیق تاریخی، زمینه‌ها و علل ظهور و گسترش این فرقه را در کرمان مورد بررسی قرار دهد.

زمینه‌ها و عوامل

عوامل مختلفی زمینه پیدایش و گسترش فرقه شیخیه را در ولایت کرمان فراهم آورد که ریشه در

۳. عبدالله احسائی، رساله شرح حال شیخ اجل اوجده مرحوم شیخ احمد انارالله برهانه، ترجمه محمدطاهرخان کرمانی (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ق)، ص ۲۲؛ سید کاظم رشتی، دلیل المتحیرین (بی‌جا: عسگر سلیمانیان، بی‌تا)، ص ۲۱.

۴. مرتضی مدرسی چهاردهی، شیخ احمد احسائی (تهران: علی اکبر علمی، ۱۳۳۴)، ص ۷.

۵. احسائی، ص ۲۵، ۲۶؛ رشتی، ص ۲۷، ۲۸؛ محمدکریم‌خان کرمانی، هدایه الطالبین (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۰ق)، ص ۴۰، ۴۴؛ میرزا نعمه‌الله رضوی، رساله تذکره الاولیاء در شرح احوال حاج محمد کریم‌خان اعلی الله مقامه (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ق)، ص ۵۷.

اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی کرمان در نیمه نخست سده سیزدهم قمری داشتند. در لشکرکشی آقا محمدخان به کرمان در سال ۱۲۰۹ قمری برای غلبه بر لطفعلی خان - آخرین حاکم سلسله زندیه - تعدادی از علما و رجال دینی کشته و مراکز علمی و فرهنگی در این ولایت ویران شده بودند.^۶ ابراهیم خان ظهیرالدوله حدود ۱۰ سال پس از این ویرانی‌ها حاکم کرمان شد و علاقه فراوانی به فرهنگ و اندیشه‌های دینی مذهب تشیع داشت. او با نشان دادن احترام به علما و روحانیان شیعه، رابطه دوستی و پیوند نزدیکی با آنان برقرار کرد. وی برای احیا و رونق دوباره فعالیت‌های علمی و دینی، علما را از شهرها و نواحی دیگر به کرمان دعوت کرد.^۷ آخوند ملا علی اعمی از علمای اصولی، از خراسان به کرمان دعوت شد و در آغاز به دستور ابراهیم خان، در کرمان عهده‌دار منصب قضا شد، کتاب *فقه استدلالی* را تالیف کرد، اما از فقاقت و قوه استنباط بالایی برخوردار نبود. بنا به گزارش وزیری، وی از موضوعات کلی علم اصول به‌خوبی آگاهی داشت، اما اغلب مسائل فقهی را به جای آنکه از قوه اجتهاد خود به آن‌ها دست یابد، حفظ کرده بود.^۸ با این همه، ابراهیم خان که موقوفات زیادی را صرف کرمان کرد، «انتظام مهمات موقوفات ابراهیمیه» را به او واگذار کرد.^۹ آقا محمدکاظم شیرازی (درگذشت: ۱۲۴۰ق) از روحانیانی بود که از شیراز به کرمان دعوت شد. از فعالیت‌های علمی او اطلاعی در دست نیست.^{۱۰} همچنین از علمای خبری

۶. برای نمونه سید ابوالقاسم شهید، پسر سید عبدالباقی که از علمای معروف کرمان در دوره زندیه بود و در فقه، حدیث، ریاضیات، علوم غریبه و علم نجوم آگاهی داشت به‌دست آقا محمدخان به قتل رسید. نک: سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۲ (بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م)، ص ۴۱۷؛ محمدابراهیم باستانی پاریزی، *آسیای هفت سنگ* (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۳۶)، ص ۲۳۲-۲۳۱. پس از شهادت وی لشکریان آقا محمدخان به مدرسه گنجعلی خان حمله و طلاب مدرسه را قتل عام و اموال و کتاب‌های آنجا را غارت کردند؛ محمود متدین، *تاریخ کرمان به انضمام رویدادهای صد سال اخیر کرمان* (کرمان: فروشگاه همت کرمان، ۱۳۶۴)، ص ۱۶۶؛ یحیی احمدی کرمانی، *فرماندهان کرمان*، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی (تهران: علم، ۱۳۷۱)، مقدمه باستانی پاریزی، ص ۱۲.

۷. ابراهیم خان شیفته اهل بیت بود و احترام و توجه ویژه‌ای به برگزاری مراسم در دهه اول محرم داشت. وی در این ایام لباس سیاه می‌پوشید و با پای برهنه در عزاداری شرکت می‌کرد و به مدیحه‌سرایی می‌پرداخت. او در این ایام به قرائت زیارت عاشورا و قرآن می‌پرداخت و به فقراء و بازماندگان غذا می‌داد (رضوی، ص ۵۶).

۸. احمدعلی خان وزیری، *جغرافیای کرمان*، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی (تهران: علم، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۹. کلاتر کرمانی در رساله خویش، از آخوند ملا علی اعمی به نیکی یاد کرده و از علم و فقه وی تمجید نموده است؛ میرزا ابوالحسن خان کلاتر کرمانی، *احوال علما و فضلاء و عرفاء و اطباء و منجمین* (نسخه خطی مجموعه ناصری مرکز اسناد و آرشیو کاخ گلستان، شماره ۸)، گ ۸۵.

۹. کلاتر کرمانی، گ ۸۵ و ۸۷؛ وزیری، *جغرافیای کرمان*، ص ۲۲۸.

۱۰. احمدی کرمانی، ص ۱۵۱.

این ولایت در این دوران می‌توان از شیخ نعمت‌الله بحرینی^{۱۱} (درگذشت: ۱۲۵۰ق) و محمدنجف کرمانی (درگذشت: ۱۲۹۲ق) را نام برد.^{۱۲} شیخ نعمت‌الله بحرینی که از بحرین به کرمان مهاجرت کرده بود، امام جمعه کرمان شد. او در علم حدیث و تفسیر تخصص داشت و احکام دینی را براساس این دو علم استخراج می‌کرد.^{۱۳}

با آنکه ابراهیم‌خان تلاش می‌کرد تا در کنار ساخت و سازهای شهری و رونق و آبادانی، کرمان را به یک مرکز علمی - دینی تبدیل کند، اما از این شخصیت‌ها نتوانستند تحول عمده علمی در کرمان ایجاد کنند. فقدان مجالس و حلقه‌های علمی و فقهی قوی در کرمان، زمینه‌های رواج بلامانع افکار و اندیشه‌های جدید را فراهم می‌آورد. این در حالی بود که ابراهیم‌خان ظهیرالدوله با شیخ احمد احسائی نیز روابط نیکویی داشت و با ارسال نامه و هدایا، علاقه و احترامش را نسبت به او نشان می‌داد. پاسخ احسائی به نامه‌ها و مکتوبات ابراهیم‌خان، مبین مراتب احترام و اعتماد متقابل این عالم به اوست و برقراری چنین مناسباتی زمینه دیدار ابراهیم‌خان با احسائی را فراهم آورد.^{۱۴} از دیگر فعالیت‌های ابراهیم‌خان ظهیرالدوله در جهت ایجاد فضای آموزشی و علمی در کرمان، می‌توان به اقدامش در احداث مدرسه‌ای اشاره کرد که به نام خود او به مدرسه ابراهیمیه معروف شد. حیات علمی و فکری در این مدرسه با فراخواندن علما، حکما، ادبا، شعرا و منجمان آغاز شد. مؤسس فرقه شیخیه کرمان، حاج محمدکریم‌خان، خود یکی از شاگردان و فارغ‌التحصیلان این مدرسه بود. او به توصیه و تشویق پدرش، ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، مقدمات اولیه علمی و آموزشی را در این مدرسه طی کرد، و از سوی پدر لقب «آخوند خانی» گرفت. حتی گفته شده است که مراتب علمی حاج محمدکریم‌خان در علوم نقلی، عقلی، ریاضی و نجوم، نتیجه شاگردی در محضر استادان ابراهیمیه بوده است.^{۱۵}

موقعیت جغرافیایی و هم‌جواری کرمان و یزد به محل سکونت احسائی، می‌توانست یکی از عوامل ظهور و رشد اندیشه‌های شیخی‌گری در کرمان باشد، به‌ویژه آنکه میان ابراهیم‌خان و احسائی، چنان‌که پیشتر اشاره شد، روابط احترام‌آمیزی برقرار بود. بی‌گمان همسایگی و نزدیکی

۱۱. کلانتر کرمانی، گ ۷۳.

۱۲. رضا کردی کریم‌آبادی، فرهنگ‌نامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگ کرمان از آغاز اسلام تا پایان عصر قاجار (کرمان:

کرمان‌شناسی، ۱۳۸۷)، ص ۴۰۳.

۱۳. کلانتر کرمانی، گ ۷۳.

۱۴. رضوی، ص ۵۷.

۱۵. کلانتر کرمانی، گ ۸۳، ۸۲.

کرمان و یزد، ارتباط میان این دو رجل سیاسی و دینی را تسهیل می‌کرد. علاوه بر این با توجه به گسترش و نفوذ آراء احسائی، در شهرهای مختلف ایران می‌توان حدس زد که آرای او در زمان حیاتش در کرمان نفوذ کرده باشد. برخی از اهالی کرمان با سفر به یزد به دیدار احسائی می‌رفتند و از مریدان او می‌شدند. از جمله می‌توان به ملا حسین کرمانی اشاره کرد که از علاقه‌مندان احسائی بود و با او تماس داشت. این ارتباط تا آنجا بود که احسائی در پاسخ به برخی از پرسش‌های او در زمینه‌های اعتقادی، فلسفی، فقهی و تفسیری، رساله‌ای موسوم به *جوابات المسائل* تألیف کرد.^{۱۶} احسائی همچنین کتاب دیگری تحت عنوان *تفسیر سوره‌الدهر* را در پاسخ به برخی پرسش‌های دیگر او نوشت که در مجلد دوم کتاب *جوامع‌الکلم* به چاپ رسیده است.^{۱۷} وی پس از مرگ احسائی از مریدان سید کاظم رشتی شد. بدین ترتیب گزاف نیست که اگر از آخوند ملاحسین کرمانی به عنوان نخستین مبلغ آرا و عقاید شیخ احسائی و سید کاظم رشتی و شیخی‌گری در کرمان نام برده شود که مردم این شهر را با افکار رهبران شیخی آشنا کرد. در دوران رهبری سید کاظم رشتی، آخوند ملا حسین امامت یکی از مساجد کرمان را عهده‌دار بود، و همو با تبلیغات و فعالیت‌های خود موجبات آوازه و شهرت سید کاظم رشتی را در کرمان فراهم آورد.^{۱۸}

از دیگر مریدان سید کاظم رشتی در کرمان، می‌توان از ملا اسماعیل کوهبنانی نام برد. گمان می‌رود زمانی که رشتی در یزد به خدمت احسائی رسید، افرادی از کوهبنان، همانند ملا اسماعیل کوهبنانی، در آنجا با او ملاقات و از دوستدارانش شدند، و بعدها با عزیمت سید کاظم رشتی به عتبات، به وی وفادار ماندند، و از مریدان او گردیدند. ملا اسماعیل کوهبنانی را می‌توان حلقه ارتباط میان حاج محمدکریم‌خان ابراهیمی با رشتی دانست؛ در واقع حاج محمدکریم‌خان ابتدا به وسیله یکی از اهالی کوهبنان موسوم به میرزا عبدالله کوهبنانی به مراتب علمی سید کاظم رشتی آشنا شده بود و همو با پافشاری خود موجب شد که ملا اسماعیل کوهبنانی، حاج محمدکریم‌خان را به شاگردی بپذیرد. آنگاه به توصیه ملا اسماعیل، حاج محمدکریم‌خان برای ملاقات با سید کاظم رشتی روانه عتبات عالیات گردید و در آنجا از مریدان او شد.^{۱۹}

۱۶. ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، *فهرست کتب مشایخ عظام* ج ۲ (کرمان: چاپخانه سعادت، بی‌تا)، ص ۲۶۰؛ شیخ آغا بزرگ طهرانی،

الذریه الی تصانیف الشیعه ج ۵ (بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۳م)، ص ۱۸۸.

۱۷. همان، ج ۴، ص ۳۴۳.

۱۸. رضوی، ص ۷۳.

۱۹. رضوی، ص ۶۶.

کرمان از دیرباز، میزبان عرفان و فرقه‌های صوفیانه مانند ذهبیه و نعمت‌اللهیه بود.^{۲۰} این موضوع خود یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز در ظهور فرقه شیخیه محسوب می‌شود. به‌رغم آنکه شیخ احمد از محضر برخی صوفیان مشهور در احسا، مانند قطب‌الدین سید محمد نیریزی ذهبی بهره برد، اما بعدها از مخالفان مسلک تصوف شد و در کتب و رسائل به فرق و مذاهب تصوف تاخت؛ وی محی‌الدین عربی (درگذشت: ۶۳۸ ق) را «ممیت‌الدین» و ملا محسن فیض کاشانی (درگذشت: ۱۰۹۰ ق) را «مسیئی» نامید.^{۲۱} اما این امر مانع از آن نبود که شیخ از عقاید صوفیه برای تدوین مکتب خود کمک نگیرد. سپس دیگر رهبران شیخیه، با الگو گرفتن از سلسله مراتب باطنی تصوف (قطب، اوتاد، ابدال، نجبا و نقبا) سلسله مراتب دعوت خویش را بر دو وجه «نُجَبَا»^{۲۲} قرار دادند.^{۲۳} با این همه، تصوف و عرفان بخشی از مبانی عقیدتی شیخی‌گری نیز شد.

بنابر اطلاعات موجود، مجالس اهل عرفان و تصوف، جاذبه‌های خاصی را برای حاج محمدکریم‌خان داشت. وی بخشی از اوقات خود را در مجالست و همراهی با عارفانی مانند آقا سید محمدعلی می‌گذراند. آورده‌اند هنگامی که وی از ورود یکی از عرفای نامدار به نام حاج زین‌العابدین شیروانی به کرمان مطلع شد، نزد او شتافت و ساعات زیادی را در همراهی با او و رتق و فتق امور روزانه او می‌گذراند، تا آنکه به ادعای منابع شیخیه، حاج زین‌العابدین به او گفت: «محمد کریم‌خان از ما چه می‌خواهی، درد تو را مگر سید کاظم رشتی دوا کند.»^{۲۴} منابع شیخی جستجوی رشتی در عتبات را توصیه اهل عرفان و پیروان شیخ احمد احسائی به حاج محمدکریم‌خان دانسته‌اند. حاج محمد کریم‌خان با راهنمایی و اخذ پاره‌ای از عناصر اعتقادی صوفیان و عرفا، مکتب فکری و

۲۰. احمدعلی‌خان وزیری، تاریخ کرمان، ج ۲، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی (تهران: علمی، ۱۳۷۵)، ص ۷۱۷؛ ادوارد براون، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه (تهران: اختران، ۱۳۸۶)، ص ۴۶۸ و ۵۰۸.

۲۱. احمد بن زین‌الدین احسائی، ترجمه حیوة النفس، ترجمه سید کاظم رشتی (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۳)، ص ۱۱۵؛ محمدکریم‌خان کرمانی، ارشاد العوام ج ۲ (کرمان: چاپخانه سعادت، بی‌تا)، ص ۳۱؛ محمدکریم‌خان کرمانی، هدایه الطالبین، ص ۴۳.

۲۲. بر اساس آموزه‌های شیخیه، نُقَبَا صاحبان حکم و سلطنتند و به اذن و حول و قوه خدا صاحبان تصرف در ملکند که هیچ چیز از فرمان آنها بیرون نیست و ایشان پیش‌کاران ائمه‌اند و احکام سلطنت ائمه را در دنیا و آخرت ایشان به انجام می‌رسانند. گروه دیگر نُجَبَا‌اند که آنها صاحبان حکم و فرمانروایی نیستند؛ اما صاحبان علوم ائمه‌اند و علم و دین را ایشان به مردم تعلیم می‌دهند. این دو گروه پیشوایان خلق در دنیا و آخرتند. آنان در دنیا حکام و معلم‌اند و در آخرت پیش‌کاران و وزرا هستند. مومنان به واسطه آنان نجات می‌یابند و به بهشت می‌روند و کافران هلاک می‌گردند و به جهنم برده می‌شوند؛ محمدکریم‌خان کرمانی، رساله الفبا و هدایه الصبیان (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ ق)، ص ۳۰.

۲۳. هنری کرین، مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی، ترجمه فریدون بهمنیار (تهران: تابان، ۱۳۴۶)، ص ۹۵.

۲۴. کلاتر کرمانی، گ ۸۳.

اعتقادی خود را بنیان گذارد؛ هر چند که او بعدها به مخالفت با صوفیه برخاست.^{۲۵}

در کنار عقاید پیش گفته، دو مسلک اخباری و اصولی نیز در این ولایت پیروان خود را در میان اهل شریعت داشتند. در حالی که ملا علی اعمی نماینده اندیشه فقه‌های اصولی بود، شیخ نعمت‌الله بحرینی معرف دیدگاه اخباری‌ها محسوب می‌شد. حاج محمدکریم‌خان خود مدعی بود که با همه فرق اثنی‌عشری در کرمان هم‌نشینی کرده، اما هیچ یک از آن‌ها قادر به راهنمایی و وصول وی به منزل و مقصود حقیقی و واقعی نبوده‌اند.^{۲۶} همچنین گروه‌های دینی زرتشتی و پیروان فرقه اسماعیلی نیز در این ولایت زندگی می‌کردند.^{۲۷} ظاهراً حاج محمدکریم‌خان در این جامعه نامتجانس و ناهمگون دینی و عقیدتی، اجزا و عناصری را از مکاتب و نحله‌های موجود یعنی تصوف و عرفان، اصولی، اخباری و اسماعیلی اخذ کرد تا مبنای اندیشه‌های خود قرار دهد. به عنوان نمونه صوفیان سلسله مراتب باطنی را به قطب، اوتاد، ابدال، نجبا و جز این‌ها تقسیم می‌کنند، اما از نظر شیخیه اساساً سلسله مراتب دو وجه دارد: نُقباً و نُجبا. در طریقت صوفیه، خانقاه و در شیخیه مسجد به عنوان محل انجام آداب و رسوم دینی بود. به علاوه برخی چله‌نشینی‌ها و ریاضت‌ها و امساک در خوردن، آشامیدن و خوابیدن در سرگذشت زندگی حاج محمدکریم‌خان دیده می‌شود که بی‌شباهت با رفتار اقطاب فرقه صوفیه نیست. همچنین برخی از اصطلاحات کلاسیک مانند وحدت ناطق از فرقه اسماعیلیه وارد شیخیه گردید.^{۲۸} البته به نظر می‌رسد که هیچ یک از مکاتب و طرق یاد شده، دستگاه تعلیم و تربیتی و تبلیغاتی گسترده و قدرتمندی در جهت استیلا و برتری بر سایر گروه‌های دینی و عقیدتی در کرمان نداشتند، آن‌چنان‌که ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، خود از مخالفان سرسخت صوفیه و درویش نعمت‌اللهی بود، لذا اجازه فعالیت و تبلیغ به آنان داده نمی‌شد.^{۲۹} فرقه اسماعیلیه نیز مقر اصلی خود را شهر بابک قرار داده و در آنجا بناها و قصرهای مجللی برای خود ساخته بودند.^{۳۰} خلاء و فقدان نفوذ و قدرت اجتماعی فرقه‌های مذکور، راه را برای شکل‌گیری فرقه شیخیه در کرمان هموار کرد، زیرا سندی دال بر مخالفت آن‌ها در مراحل آغازین دعوت شیخیه با حاج محمدکریم‌خان

۲۵. در این زمینه نک: کرمانی، محمد کریم‌خان، *ارشاد العوام*، ج ۱، ص ۲۴ - ۲۳.

۲۶. رضوی، ص ۶۶

۲۷. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۰۵؛ براون، ص ۴۴۴؛ وزیری، *تاریخ کرمان*، ج ۲، ص ۶۹۹

۲۸. عبدالرضا ابراهیمی، *چهل مسئله در جواب سوالات حسن مجرد* (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۴)، ص ۲۹؛ کرین، ص ۹۵، ۹۸؛ مرتضی مدرسی چهاردهی، *شیخی‌گری، بابی‌گری از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع* (تهران: کتابفروشی فروغی، بی‌تا)، ص ۷۱؛ نورالدین چهاردهی، *از احساء تا کرمان: درباره عقاید و آداب مراسم مذهبی شیخیه* (تهران: گوتنبرگ، ۱۳۶۲)، ص ۱۰۵.

۲۹. میرزا زین‌العابدین شیروانی، *ریاض السیاحه*، به تصحیح اصغر حامد (تهران: سعدی، ۱۳۳۹)، ص ۵۴۳ و ۵۴۴.

۳۰. وزیری، *تاریخ کرمان*، ج ۲، ص ۶۹۹

در دست نیست، شاید هم موقعیت شاهزادگی او که نوه فتحعلی شاه محسوب می‌شد، وی را در این راه با مشکلی مواجه نکرد.

حامد الگار می‌نویسد که احسائی با پرداخت پول، زنانی را که در زمان حمله آقا محمدخان به اسارت در آمده بودند، آزاد کرده بود.^{۳۱} این گزارش جای تأمل و دقت دارد؛ زیرا استیلای آقا محمدخان بر کرمان در سال ۱۲۰۹ قمری رخ داد؛^{۳۲} در حالی که سال ورود احسائی به یزد سال ۱۲۲۱ قمری بود.^{۳۳} گذشته از این سندی برای اسارت زنان مسلمان به وسیله سپاه آقا محمدخان در دست نیست. از این‌رو، این دو حادثه اسارت و آزادی با یکدیگر تطابق زمانی ندارد. علاوه بر این دو سال بعد از سقوط کرمان، مردم شهر به شفاعت حکمران یزد، محمدتقی خان یزدی، بخشیده شده بودند.^{۳۴} نابسامانی شهر و حکومت و محیط خفقان و فقدان سازمان‌ها و نهادهای اجرایی و قضایی در این دولت، موجب شد که روحانیان و اقشار مذهبی پناهگاه مردم شوند.^{۳۵} ابراهیم خان ظهیرالدوله نیز بر روسای خاندان‌های چنگیزی (عبدالاحسین خان بن عبد الواحدیگ) و شاهرخیه (عبدالرشیدخان) و آقا علی وزیر (میرزا حسین خان) و کلانتریه (میرزا حسن بن میرزا تقی) که با تدبیر و درایت خود زمام امور کرمان و برخی از نواحی را در اختیار داشتند، سخت گرفت و آنان را از مشاغل حکومتی‌شان معزول کرد.^{۳۶}

در دوره حکمرانی ابراهیم خان ظهیرالدوله، شیخ نعمت‌الله بحرینی، امام جمعه کرمان، که به تقوا و پرهیزکاری معروف بود، ملجاء و پناهگاه مردم محسوب می‌شد و اقشار جامعه (عوام و خواص) به فتواها و قوانین مقرر از سوی او احترام می‌گذاشتند.^{۳۷} ملا علی اعمی نیز در این دوره حامی و پشتیبان مردم بود و مشاجرات و منازعات میان آن‌ها را حل و فصل می‌کرد و به منظور جلوگیری از فتنه و آشوب به تدوین قوانین حقوقی همت گماشت.^{۳۸} در این اوضاع و شرایط، شاهزاده قاجاری به نام حاج محمدکریم خان در کسوت روحانیت، آرا و نظریات جدیدی را در قالب عقاید

۳۱. حامد الگار. دین و دولت: نقش علما در دوره قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۹)، ص ۸۳.

۳۲. احمدی کرمانی، ص ۱۲۴.

۳۳. عبدالله احسائی، ص ۲۲.

۳۴. محمدجعفر بن محمدحسین نائینی، جامع جعفری، تاریخ یزد در دوران زند و عصر سلطنت فتحعلی شاه (تهران: انجمن آثار

ملی، ۱۳۵۳)، ۵۷.

۳۵. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۶)، ص ۱۶۸.

۳۶. شیروانی، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۴۳، ۵۴۴.

۳۷. کلانتر کرمانی، گ ۷۳.

۳۸. همان، گ ۸۵.

مذهبی مطرح کرد که افکار و دیدگاه‌هایش برای مردم روزگار خویش در کرمان جاذبه داشت و وجهه‌ای منجی‌گونه به واضع آن‌ها می‌داد. به‌ویژه آن‌که بُعد روحانی و مذهبی شخصیتی او و پیوند خویشاوندی که با قاجاریه داشت، بر نفوذ و اقتدار وی در جامعه کرمان افزود و در ترویج عقیده شیخی‌گری موثر گردید.

درک علل ظهور شیخی‌گری در کرمان، گذشته از شناخت اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی کرمان، بدون آشنایی با زندگی‌نامه و کارنامه مؤسس شیخیه کرمان، حاج محمدکریم‌خان میسر نیست. بی‌گمان مهم‌ترین بخش زندگی حاج محمدکریم‌خان، ارتباط و تعاملاتش با سید کاظم رشتی و دوران رهبری بر شیخیه کرمان است، که دوران سرنوشت‌ساز و حساس این فرقه در کرمان را تشکیل می‌دهد.^{۳۹} در چنین محیطی حاج محمدکریم‌خان رشد کرد و پس از آگاهی از عقاید شیخ احسائی و شخصیت سید کاظم، شیفته آن دو گشت. حاج محمدکریم‌خان در روزگار فرمانروایی حسن‌علی میرزا (۱۲۴۷ - ۱۲۴۳ ق) کرمان را به قصد دیدار سید کاظم رشتی در عتبات ترک کرد. وی بر سر راه خود در اصفهان چندی در مجلس درس یکی از معتقدان به احسائی یعنی محمد ابراهیم کلباسی حاضر شد. آن‌گاه در ادامه سفر، چند روزی در کرمانشاه نزد شیخ علی پسر احسائی تلمذ کرد، و از آنجا عازم کربلا شد و به دیدار رشتی ناقل آمد.^{۴۰} سید کاظم رشتی، شارح آراء، اقوال و آثار شیخ احمد احسائی، و پس از مرگ جانشین او بود.^{۴۱} برخی از علمای معروف آن عصر، علم،

۳۹. برای اطلاع از سرگذشت کودکی و نوجوانی حاج محمدکریم‌خان، نک: عبدالله احسائی، ص ۶۶-۵۷؛ کلانتر کرمانی، گ ۸۲ و ۸۳؛ ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، ج ۱، ص ۵۷-۷۵؛ زین‌العابدین‌خان کرمانی، نورالعیون، نسخه خطی (کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره ۲۱-هـ)؛ تصویر آن در (تهران: مطالعات تاریخ معاصر، شماره ۹ ن ۳۸ ک/۲۱۳ MPM)، گ ۱، ۸، ۱۰.

۴۰. برخی گزارش‌ها روایت می‌کنند که، رشتی بنابر پیش‌گویی و توصیه فرد قیافه‌شناسی که علامت و آثار بزرگی در رخسار حاج محمدکریم‌خان دیده و مقام علمی بالایی را برای او پیش‌بینی کرده بود، او را مورد توجه و استقبال فراوان قرار داد. حاج محمدکریم‌خان بیش از یک سال نزد رشتی ماند و در مطبخ او برایش غذا تهیه می‌کرد و بارها می‌گفت: همه‌ی بصیرت و معرفت و علوم من از برکت دوده‌ای مطبخ رشتی است. در این دوره حاجی محمدکریم‌خان هرگاه از انجام امورات رشتی فارغ می‌شد در مجلس درس او حاضر می‌گردید و به فراگیری دانش می‌پرداخت. به‌نظر می‌رسد حاج محمدکریم‌خان در این دوره چندان به تحصیل علوم ظاهری نپرداخت، بلکه سعی کرد در جهت رضایت ولی‌نعمت خود هر کاری را انجام دهد. حاج محمدکریم‌خان خود بارها گفته بود که عمده تحصیلش در این دوره بود، آن‌چنان‌که ماهی دو یا سه بار در منزل حاجی میهمان بود. رشتی همیشه او را «سرکار خان» خطاب می‌کرد، و زمانی که حاجی تصمیم گرفت که به کرمان باز گردد تا اهل و عیالش را با خود به عتبات ببرد تا با فراغ بال در خدمت رشتی قرار گیرد، رشتی به او گفت به سرزمین عجم می‌روید در حالی که به هیچ یک از علمای آنجا نیازمند نیستید. این گفتار رشتی با میزان اطلاعات و آموزش‌هایی که حاج محمدکریم‌خان در آنجا کسب کرد، متناقض است؛ زیرا او اغلب اوقات را همان‌طور که گفته شد، به خدمت‌گذاری سید کاظم رشتی گذراند و گاهی اوقات به تحصیل و مطالعه می‌پرداخت؛ رضوی، ص ۷۴-۶۷.

۴۱. حاج محمدکریم‌خان کرمانی، هدایه الطالبین، ص ۷۳.

فضل، زهد و تقوای او را تأیید کردند.^{۴۲} وی فرد عارف مسلکی بود که ایده مهدودیت را در بین شاگردانش ترویج می‌کرد.^{۴۳}

اقامت حاج محمدکریم‌خان در عتبات دیری نپایید و پس از یک سال و اندی به کرمان بازگشت تا در مدرسه ابراهیمیه به تحصیل و تدریس بپردازد و امور موقوفه مدرسه را رسیدگی کند. در همین دوران با ملا حسین کرمانی که پیش‌نماز بود، آشنا شد و در نمازش حاضر می‌شد. هر گاه که ملا حسین در مسجد حاضر نمی‌شد، حاج محمدکریم‌خان امامت نماز را عهده‌دار می‌شد.^{۴۴} وی پس از چهار سال اقامت در کرمان و سپردن امور مهم و موقوفات مدرسه ابراهیمیه به ملا علی اعمی، عازم عتبات شد و این بار بیش از دو سال نزد سید کاظم رشتی ماند.^{۴۵}

به‌نظر می‌رسد، هدف غایی حاج محمدکریم‌خان در هر دو سفر به عتبات و ملاقاتش با سید کاظم رشتی، کسب مقام جانشینی رشتی و نیل به پیشوایی فرقه شیخیه بود که زعامت آن را سید کاظم به عهده داشت. شیخ احمد احسائی درباره او گفته بود: «سید کاظم بفهم و غیره ما بفهم»^{۴۶} از این‌رو، حاج محمدکریم‌خان خود را از تأیید سید کاظم رشتی بی‌نیاز نمی‌دید. بنابر گزارش میرزا نعمت‌الله رضوی حاج محمدکریم‌خان در سفر اول خود به عتبات «هر وقت از خدمت فراغت داشت، تحصیلی می‌نمود و در مجلس درس حاضر می‌شد. ولی عمده تحصیل آن جناب ذکر و فکر محبوب بود چنان‌که خود آنجناب می‌فرمود زمانی که خدمت سید مرحوم مشرف بودم و تمام مقصود و منظورم شخص آنجناب بود، فقط»^{۴۷} سپس در ادامه می‌نویسد، حاج محمدکریم‌خان پس از مراجعت مجددش نزد سید کاظم رشتی «مشغول باستفاضه و تحصیل شد و نزد جناب سید معتمد و موثق گردید... در این وقت باز جناب سید جلیل حضرتش مأمور کرمان و هدایت مردمان فرمود»^{۴۸} اما در مناظره‌ها ملا صادق خراسانی معروف به مقدس، گفت: «[من] والله (اعلم) اخذ کردم از سید مرحوم مشافهه، و سید مرحوم اخذ کرده از شیخ مرحوم احسائی الله درجانه و مشافهه،

۴۲. علمایی که مؤید فضل و کمال سید کاظم بودند، عبارتند از: آقا سید علی طباطبایی صاحب ریاض و مرحوم شیخ خلف بن عسکر و مرحوم آقا سید عبدالله شیر صاحب فقه الامامیه و مرحوم سید آقا سید جعفر شیر و آقا سید حسن خراسانی و آقا شیخ نوح و آقا میرزا محمد حسین شهرستانی؛ ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴۳. سید محمدباقر نجفی، بهائیان (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷)، ص ۱۴۳.

۴۴. رضوی، ص ۷۲، ۷۳.

۴۵. همان، ص ۷۳؛ ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، ج ۱، ص ۶۴.

۴۶. محمدکریم‌خان کرمانی، هدایه الطالبین، ص ۷۱، ۷۲.

۴۷. رضوی، ص ۷۱.

۴۸. همان، ص ۷۵.

و شیخ مرحوم از امام علیه السلام اخذ کرده مشافهه و رو به رو^{۴۹}. همچنین حاج محمدکریم خان، اجازه نامه علمی و چند تعلیقه و مهر رشتی را از او دریافت کرده بود. در واقع همین دست نوشته های سید کاظم رشتی بعدها مستند و دستاویز دعاوی حاج محمد کریم خان برای جانشینی سید کاظم رشتی و رد ادعاهای سید علی محمد باب گردید.^{۵۰}

دریافت تعلیقه و اجازه نامه از سوی سید کاظم رشتی بر مقام معنوی و نیز اعتماد به حاج محمدکریم خان افزود. وی مأموریت یافت که به صورت رسمی عقاید و آرا احسائی و سید کاظم رشتی را در کرمان رواج دهد.^{۵۱} بدین ترتیب شیخیه مرحله جدیدی از تاریخ خود را در کرمان آغاز کرد.

دعوت شیخیه در کرمان

پس از ظهور آرا و اندیشه های احسائی و رشتی در کرمان، نخستین گام جهت توسعه و تثبیت این فرقه از سوی حکمران کرمان، ابراهیم خان ظهیرالدوله، برداشته شد. ابراهیم خان ظهیرالدوله با آشنا کردن خانواده خود با افکار و اعتقادات احسائی، راه را برای اشاعه مسلک شیخی گری در کرمان هموار کرد. از این رو می توان گفت که ارادات و دوستی ابراهیم خان به احسائی در آشنایی حاج محمدکریم خان با افکار و آرا او تأثیر داشته است. بنابر پاره ای از گزارش های شیخی، ابراهیم خان به واسطه علاقه احسائی به حاج محمدکریم خان توانست در یزد به حضور احسائی شرفیاب شود.^{۵۲} موفقیت های حاج محمدکریم خان در تبلیغ و گسترش شیخیه، بیش از پدرش بود. این موفقیت را باید حاصل حمایت های مالی و معنوی ابراهیم خان ظهیرالدوله دانست. بدین ترتیب پیوند نزدیک میان دو نهاد سلطنت و روحانیت از عوامل مهم گسترش شیخیه در کرمان شد. در واقع حاج محمدکریم خان در دعوت خود، برای تبلیغ و تثبیت مذهب شیخی گری در کرمان از پشتوانه مالی و پشتیبانی نهاد حکومت و قدرت دولتی بهره گرفت و برنامه منسجم و هدفدار تبلیغی را پی ریزی کرد و مراکز و نهادهای دینی و اجتماعی را در کانون توجه خود قرار داد. برخی منابع مراحل دعوت

۴۹. محمدخان کرمانی، کشکول. به قلم حاج محمدخان کرمانی. یادداشت هایی به صورت کشکول از حاج زین العابدین خان، نسخه خطی (کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره ه - ۲۴)؛ تصویر کتاب در (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۵ک ۳ الف ۲۱۳ BPM)، گ ۶۴.

۵۰. متن کامل اجازه نامه و تعلیقه های سید کاظم رشتی به حاج محمد کریم خان در صفحات ۸۵ - ۷۷ رساله تذکره الاولیاء آمده

است؛ ابراهیمی، ج ۱، ص ۶۰.

۵۱. رضوی، ص ۷۳؛ زین العابدین خان کرمانی، ص ۱۸، ۱۹.

۵۲. رضوی، ص ۵۷.

حاج محمد کریم‌خان به مسلک شیخیه را به دو دوره تقسیم می‌نمایند: دعوت نزدیکان و خویشان و دعوت همگانی.^{۵۳}

دعوت بستگان و خویشان: بنابر پاره‌ای از گزارش‌های شیخی، حاج محمدکریم‌خان بنا به دستور آیه قرآنی «و انذر عشیرتک الاقربین»^{۵۴} و سنت پیامبر، ابتدا بستگان درجه اول و سپس دیگر اقوام و خویشان را به مذهب شیخی دعوت کرد و آنان نیز عقیده شیخیه را پذیرفتند.^{۵۵} بدین ترتیب در پی اقدامات ابراهیم‌خان که فضایی مساعد را برای رشد فرقه شیخیه فراهم آورده بود، حاج محمدکریم‌خان به‌خوبی از موقعیت موجود سود جست و دعوتش را از سطح خاندان و اقوامش به سطح عامه مردم گسترش داد.

دعوت همگانی: حاج محمدکریم‌خان پس از یافتن متحدانی در میان اقوام و خویشاوندان، مصمم شد که با پیروی از آیه «واخفض جناحک لمن اتبعک من المومنین»^{۵۶} دعوت خود را در جامعه علنی کند. در این دوره حاج محمدکریم‌خان در مساجد، منابر و معابر به تبلیغ مذهب شیخیه پرداخت.^{۵۷} این دوره از دعوت شیخی در کرمان بدان سبب بسیار سرنوشت‌ساز و حساس بود که شاگردان سید کاظم رشتی برای جانشینی او سخت با یکدیگر رقابت و مجادله داشتند. در میان این مدعیان سید علی‌محمد شیرازی معروف به باب و حاج محمدکریم‌خان از دیگران مهم‌تر بودند. هر چند سید علی‌محمد باب با تأسیس فرقه بابیه انشعابی را در فرقه شیخیه به‌وجود آورد،^{۵۸} اما حاج محمدکریم‌خان به سبب دارا بودن پشتوانه‌های مالی و دولتی و اجازه‌نامه‌های علمی از سید کاظم رشتی بر رقیب خود غالب آمد. حاج محمدکریم‌خان و سپس هر یک از رهبران شیخیه کرمان پس از تثبیت موقعیت و جایگاه خود در جامعه کرمان در صدد برآمدند که پیروانشان را با اصول و عقاید این فرقه آشنا کنند و نسل جدیدی را منطبق با آموزه‌های شیخی تربیت کنند. از آنجا که مخاطبان حاج محمدکریم‌خان را گروه‌ها و اقشار گوناگونی تشکیل می‌دادند، وی آنان را به دو دسته عوام و خواص تقسیم کرد و برای دعوت هر دسته، از ابزارها و شیوه‌های مناسب بهره گرفت. او با برگزاری برخی از جلسات عمومی در مراکز دینی برای عوام و پایه‌ریزی نظام آموزشی مدون برای خواص به

۵۳. کلانتر کرمانی، گ ۸۳.

۵۴. قرآن کریم، شعراء، ۲۱۴.

۵۵. کلانتر کرمانی، گ ۸۳.

۵۶. قرآن کریم، شعراء، ۲۱۵.

۵۷. کلانتر کرمانی، گ ۸۳.

۵۸. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴، ج ۵ (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷)، ص ۱۱۶.

تربیت نسل جدید معتقد به مذهب شیخی همت گماشت تا بدین وسیله جامعه متحدی را به وجود آورد. سپس این اقدام مورد تقلید دیگر مشایخ قرار گرفت. از این رو بخشی از فعالیت‌های تبلیغی مشایخ این طریقه معطوف به کارکردهای آموزشی و تربیتی شد. در نتیجه حاج محمدکریم‌خان و سپس هر یک از رهبران شیخیه کرمان برنامه آموزشی بلندمدتی را برای پیروان طریقه خود در نظر گرفتند. آن‌ها برای جذب افراد به طریقه و آیین شیخی و تربیت نسل جدیدی معتقد به اصول و معتقدات شیخی که توانایی دفاع از باورها و آموزه‌های دینی خود را از طریق گفت و گو، مناظره، جدل و استدلال در برابر پیروان دیگر فرق داشته باشند به ایجاد و توسعه نهادهای آموزشی روی آوردند. ظهور و تکوین این نهادهای آموزشی و مراکز اجتماعی و دینی تاثیر به‌سزایی بر حیات فکری و فرهنگی کرمان و نیز بر روند شکل‌گیری و رواج مسلک شیخی‌گری در این شهر گذارد.

آموزش و تبلیغ شیخیه در کرمان

اقدامات رهبران شیخیه کرمان در جهت رواج این مذهب را در کرمان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱) فعالیت‌های آموزشی ۲) فعالیت‌های تبلیغی.

فعالیت‌های آموزشی

فعالیت‌های آموزشی رهبران این فرقه دو گروه سنی را در بر می‌گرفت: الف) آموزش ویژه کودکان؛ ب) آموزش بزرگسالان.

الف) آموزش ویژه کودکان: این نوع آموزش در مکتب‌خانه انجام می‌شد.^{۵۹} درباره ضوابط و مقررات و زمان شروع و پایان درس و نحوه گزینش معلم اطلاعی در دست نیست. بنابر یکی از مواد درسی مکتب‌خانه، رساله الفبا و هدایه الصبیان، هدف از تعلیم در این دوره، آموزش خط و زبان فارسی، خواندن، نوشتن، عددنویسی و حساب بود. فراگیری و پیروی از اصول دین و مذهب شیعه به‌ویژه اصل امامت و موضوع لیاقت و شایستگی حاکم در دوره غیبت امام دوازدهم (عج) به‌شدت مورد تأکید قرار می‌گرفت. تعلیم و آموزش مهم‌ترین اصل اعتقادی شیخیه، رکن رابع و فروعات آن، نُقبَا، نُجَبَا و آشنایی با دو رهبر نخستین شیخیه، شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، آخرین و مهم‌ترین مرحله آموزشی مکتب‌خانه‌های شیخی محسوب می‌شد.^{۶۰} در واقع در این دوره تحصیلی،

۵۹. رساله کاتب کرمانی، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی (تهران: علم، ۱۳۷۱)، ص ۳۹۴.

۶۰. محمدکریم‌خان کرمانی، رساله الفبا و هدایه الصبیان، ص ۳۲-۸.

کودکان پس از آشنایی با مقدمات و اصول اولیه فرقه شیخیه، برای ادامه تحصیل به مراکز تعلیمی خاص شیخیه راه می‌یافتند.

(ب) آموزش بزرگسالان: جوانان شیخی در این دوره به دو طریق می‌توانستند به تحصیل علوم و معارف شیخی بپردازند: آموزش خصوصی و آموزش عمومی.

آموزش خصوصی: این آموزش معمولاً در خانه‌ها صورت می‌گرفت. آموزگاران شیخی که بخشی از سلسله مراتب دینی شیخیه محسوب می‌شدند، با رسائل و آثار حاج محمدکریم‌خان آشنا بودند و در خانه‌ها به صورت خصوصی به جوانان شیخی احکام و معارف فرقه را آموزش می‌دادند.^{۶۱}

آموزش عمومی: مدرسه ابراهیمیه مهم‌ترین نهاد آموزش عمومی شیخیه و فعالیت‌های فکری و آموزشی آن در کرمان محسوب می‌شد.^{۶۲} بلندترین گامی که از سوی رهبران شیخیه بدین منظور برداشته شد، تألیف و تدوین رساله‌های کلامی و فقهی در مورد اعتقادات و اصول مذهب ایشان بود. این آثار افزون بر آموزه‌ها، کوششی برای معرفی و شناسایی شیخیه نیز بود. لذا رهبران شیخیه در پی دعوت شفاهی، فعالیت‌های تبلیغاتی خود را به صورت رسمی و جدی و در قالب جنبشی علمی-ادبی گسترش دادند.

منابع آموزشی: برای آشنایی با بُعد رسمی فعالیت رهبران شیخیه، معرفی آثار ایشان می‌تواند مفید باشد. حاج محمدکریم‌خان خود مولفی پرکار و صاحب آثار متعدد در زمینه‌های مختلف فقهی و کلامی بود. مهم‌ترین اثر وی، *ارشاد العوام*، که یک دوره اعتقاد کلامی شیخیه است، به تشریح توحید، نبوت، امامت و رکن رابع اختصاص دارد. او برای معرفی جایگاه و مقام رکن رابع^{۶۳} که مهم‌ترین اصل اعتقادی شیخیه است، رساله مستقلی نوشت. از این رو پیروان وی به «رُکنیه» و «حاج محمدکریم‌خانی» معروف شدند.^{۶۴} در واقع مشایخ این فرقه با تألیف این آثار درصدد بودند با

۶۱. براون، ص ۵۱۳.

۶۲. درباره فعالیت‌های آموزشی این مدرسه، نک: محمد خداوردی تاج‌آبادی، «ابراهیمیه: نهاد شیخیه آموزشی شیخیه در کرمان عصر قاجار»، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، ش ۱۲، پاییز و زمستان ۸۹، ص ۱۷۳-۱۵۷.

۶۳. حاج محمدکریم‌خان، مؤسس فرقه شیخیه، بر این باور بود که در هر دوره باید راویان و ناقلانی امین در میان مردم در حکم واسطه‌هایی وجود داشته باشند تا اخبار و اقوال او را به شیعیان برسانند و امر هدایت و روشن‌گری را در جامعه عهده‌دار شوند. وی این مقام را رکن رابع می‌نامید. بنابر نظر دیگر مشایخ شیخیه تمام دوستان آل محمد معرفت و دوستی‌شان از رکن رابع است، به‌ویژه علمایی که از آنان دستورات دینی گرفته می‌شود، محبت و معرفتشان از دیگران واجب‌تر است. آن‌چنان که همه علمای شیخیه معرفت و محبتشان از رکن رابع است. شخص ناطق واحد همان باب اعظم و نایب خاص امام است؛ محمدکریم‌خان کرمانی، *رساله رکن رابع*، (کرمان: مدرسه مبارکه ابراهیمیه، ۱۳۶۸ق)، ص ۴ و ۱۹؛ ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، ج ۱، ص ۱۰۲.

۶۴. ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، ج ۱، ص ۶۱-۶۰.

دلایل عقلی و نقلی به دفاع از اعتقادات خود پردازند. در میان آثار رهبران شیخیه کرمان، تالیف و تدوین رساله‌های فقهی جایگاه ویژه‌ای داشت که به استقلال و پویایی این فرقه در کرمان کمک بسیار کرد. مهم‌ترین رساله فقهی شیخیه کرمان، رساله مجمع الفتاوی است که حاوی آرا و افکار فقهی حاج محمدکریم‌خان است. این اثر به دست پسرش حاج زین‌العابدین‌خان (درگذشت: ۱۳۶۰ق) به رشته تحریر در آمد.^{۶۵} همچنین ترجمه رساله وحیزه و مصباح السالکین از حاج محمدخان کرمانی از دیگر رساله‌های فقهی این فرقه است.^{۶۶} در تألیف این کتاب‌ها، الگوی نویسندگان رساله‌های عملیه متداول میان علمای اثنی عشریه است.

این رساله‌ها با ابوابی در موضوعات طهارت، غسل، تیمم و وضو آغاز می‌شوند و آنگاه ابواب احکام نماز، روزه، حج، خمس، زکات، میت، قرض، نذورات و وقف را دربر می‌گیرند. از نکات حائز اهمیت در برخی از این رسائل، موضوع وقف است که به صورت اختصاصی تر نسبت به دیگر ابواب فقهی به آن پرداخته می‌شود. احکام و آرای فقهی در باب وقف در قالب سوال و جواب‌اند. ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، بر مدرسه ابراهیمیه املاک بسیاری را وقف کرد، که بعدها موجب نزاع و مشاجره میان آنان و مخالفان‌شان شد. همچنین حاج آقا علی یکی از تجار شیخی مسجدی موسوم به مسجد چهل ستون (مسجد حاج آقا علی) برای شیخیه بنا کرد و برای رونق و رفاه این مسجد املاکی را وقف نمود، این همه نشان‌دهنده آن است که در آن برهه زمانی، مسأله وقف برای شیخیه مهم بوده است. یکی دیگر از مباحث مهم مورد توجه رهبران شیخیه کرمان در باب مکاسب و خرید و فروش است که آن نیز به صورت سوال و جواب است. تشریح دیدگاه‌های فقهی در چارچوب پاسخ به سوالات در بخشی از رساله مجمع الفتاوی نیز به چشم می‌خورد. ظاهراً این پاسخ‌ها در جواب سوالات و ابهاماتی بود که پیروان با مشایخ خود در میان می‌گذاشتند و ایشان نیز به آن‌ها جواب لازم را می‌دادند.

برخی از رساله‌های فقهی علاوه بر واجبات، امور مستحبی را شامل می‌شود که به موضوعات معمولی مانند غذا خوردن و غیره و توصیه‌ها درباره آن‌ها مربوط می‌شوند. اختصاص یکی از ابواب به تزکیه و تهذیب نفس از ویژگی‌های آثار فقهی رهبران شیخیه کرمان است.^{۶۷} در واقع ایشان با

۶۵ محمدکریم‌خان کرمانی، رساله مجمع الفتاوی، به تقریر و قلم حاج زین‌العابدین‌خان، نسخه خطی (کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره ۲۳)؛ تصویر آن در (تهران: مطالعات تاریخ معاصر، شماره ۲/ ۵۵۱ و ۴۵/ ک/ ۲۱۳/ BMP).
۶۶ محمدخان کرمانی، ترجمه رساله وحیزه، به خط حاج محمدخان کرمانی، نسخه خطی (کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره ۳۸-د)؛ تصویر آن در (تهران: مطالعات تاریخ معاصر، شماره ۲/ ۴۰۴۱ ت ۴/ ۱۸۴/ ۴۵/ BPM)؛ محمدخان کرمانی، مصباح السالکین (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۷۶ق).
۶۷ محمدخان کرمانی، مصباح السالکین، ۱۴۹ - ۱۴۲.

طرح عبادات و مستحبات دینی در قالب جدید در صدد بودند که افراد بیشتری را به مذهب خود علاقه‌مند سازند و جذابیت زیادی برای پیروانشان ایجاد کنند.

برخی مشایخ همچنین برای تثبیت موقعیت و افزایش پیروانشان به تألیف و تدوین رساله‌هایی تحت عنوان *علل الاحکام* پرداختند.^{۶۸} مقایسه برخی از فتاوی آنان با فتاوای علمای متشرعه حاکی از سهل‌گیری پیشوایان شیخیه است. حاج محمدکریم‌خان همچنین در رساله مستقلی با عنوان *رساله در استدلال بر طهارت ماء قلیل بملاقات نجاست در صورت عدم تغییر اوصاف ثلثه*^{۶۹} احکام آب قلیل را بیان کرد. به عنوان نمونه می‌توان به برخی از آرای فقهی او مانند نجس نشدن آب قلیل در هنگام برخورد با نجاست و نیز اجازه اجرای صیغه نکاح به زبان فارسی و غیره اشاره کرد. چنین رویکردی می‌توانست موجبات جلب متشرعه به شیخیه شود. چنان‌که شیخ محمدباقر که در یکی از مدارس اصفهان موسوم به نم‌آورد تحصیل می‌کرد و نسبت به مسائل طهارت و نجاست وسواس داشت، با آگاهی از فتاوی حاج محمدکریم‌خان درباره آب قلیل به دیدگاه فقهی او روی آورد.^{۷۰}

شاید یکی از دلایل تأکید رهبران شیخیه بر تألیف رساله‌های فقهی، وجود تفکرات دینی و فرقه‌ای غیراسلامی و غیرشیعی، در جامعه کرمان بود که اعمال و رفتار آنان با قواعد فقه اسلامی مغایرت داشت. برخی از ساکنان کرمان (زرتشتیان و یهودیان) به تولید شراب می‌پرداختند. همچنین اعیان و طبقه حاکم گاهی اوقات جشن‌های باشکوهی برگزار می‌کردند که معمولاً ساعات متمادی به طول می‌انجامید، به‌طوری که گاه از میهمانان و سفرای خارجی در کنار غذا با انواع مشروبات نیز پذیرایی می‌شد.^{۷۱} بنابر گزارش خانیکوف، در کرمان (۱۲۷۵ ق / ۱۸۵۹ م) «شراب مستی‌بخش فراوان است... روحانیون شهر در مورد مشروباتی که قرآن منع کرده است سخت‌گیر نیستند».^{۷۲}

۶۸. آنان در این کتب در صدد تبیین چرایی و فلسفه وجودی احکام فقهی برآمدند، یعنی سعی کردند که با ادله عقلی، استدلال و برهان احکام فقهی را بیان کنند و در هنگام فتوا در هر یک از ابواب فقهی با ارائه مستندات عقلی به وجوب یا حرمت آن مسئله رأی دهند. به عنوان نمونه زمانی که از مطهر بودن آب بحث می‌شود دلیل پاک‌کنندگی آن را توضیح می‌دهد (محمدخان کرمانی، *رساله علل الاحکام*، کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۰).

۶۹. محمدکریم‌خان کرمانی، «رساله در استدلال بر طهارت ماء قلیل بملاقات نجاست در صورت عدم تغییر اوصاف ثلثه»، مجمع الرسائل فارسی (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۵).

۷۰. سید عبدالحجّه حسینی، *تاریخ تهران قسمت مرکزی و مضافات*، ج ۱ (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۳۵.

71. Ernest Ayscoghe Floyer, *Unexplored Baluchistan, A Survey, with Observation Astronomical, geographical, botanica* (London: Griffith & Farran, 1882), pp. 318, 331.

۷۲. نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف، *سفرنامه خانیکوف*، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه (مشهد: آستان قدس رضوی،

راهبرد تألیف کتاب‌های فقهی و اعتقادی به وسیله رهبران شیخی نتایج خود را داشت. نخست پیروانشان را از مراجعه به کتاب‌ها و رساله‌های فقهی متشرعه بی‌نیاز می‌ساخت که این به منزله استقلال عقیدتی و فکری برای آنان بود. دیگر آن که در آثار خود با توصیه‌هایی به پیروان خود، به رعایت تقوا و پرهیزکاری و حفظ آداب و معاشرت اجتماعی کوشیدند تا جماعت خود را از دیگر فرق و گروه‌ها متمایز کنند، و بدین وسیله نهضت معنوی و اجتماعی در این شهر پدید آوردند. حاج محمدکریم‌خان پیروانش را در رفتارهای اجتماعی به حفظ و پای‌بندی به آداب و مقررات ویژه‌ای توصیه می‌کرد. پند و اندرزهای او در این زمینه شامل مناسبات و روابط درون گروهی شیخیه با یکدیگر و نیز نحوه سلوک و ارتباط جماعت شیخیه با دیگر گروه‌های اجتماعی است.^{۷۳} شاید در اثر این تبلیغات بود که زنان شیخیه - از نظر رنگ - پوشش خود را از زنان متشرعه متمایز کردند، چنان که نویسنده شیخی رساله کاتب کرمانی^{۷۴} در این باره زنان شیخی را به نسبت زنان بالاسری، مبادی آداب معرفی کرده است. محمدکریم‌خان نوع روابط پیروانش با خویش را در موارد گوناگون (اعم از نحوه ارتباط با او و استمالت از آنان نزد حکمران در مواقع حساس و بحرانی) بیان کرده است.^{۷۵} همین ضوابط و آداب موجب شد که آن‌ها در رفتار اجتماعی خود متفاوت از دیگر اقشار شوند. این ویژگی تا به امروز در میان افراد جماعت شیخی در کرمان به چشم می‌خورد.

رهبران شیخیه کرمان به تأسی از شیخ احسائی، به کلام و فلسفه علاقه‌مندی بسیار نشان می‌دادند. حاج محمدخان با تمثیل و شواهدی، قول ملاصدرا را مبنی بر «بسیط الحقیقه بیساطه کل الاشیا» باطل اعلام کرد و برای تکمیل این موضوع و توجیه حقیقت نفس، به مدد باورهای روان‌شناسی مفهوم عالی و دیالکتیکی از وجود در باره شناخت انسان ارائه کرد.^{۷۶}

فعالیت‌های تبلیغی

مراکز و نهادهای دینی: رهبران و روحانیان شیخی برای اعمال قدرت و ابراز نفوذ دینی و معنوی‌شان به مسجد به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نیازمند بودند. مسجد می‌توانست نقطه

۷۳. حاج محمدکریم‌خان آداب ویژه‌ای را در مورد نشستن، برخاستن، راه رفتن، صحبت کردن، ورود به مجلس، نحوه برخورد با یتیمان و مسکینان به پیروانش توصیه کرده است که تا به امروز شیخی‌های کرمان خود را ملزم به حفظ این آداب می‌داند (محمدخان کرمانی، مصباح السالکین، ص ۲۱۵-۲۱۱).

۷۴. رساله کاتب کرمانی، ص ۴۵۶-۴۵۵.

۷۵. محمدکریم‌خان کرمانی، رساله چهار فصل (کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۶۴ ق)، ص ۱۹-۱۶.

۷۶. حمید، حمید، الهیات و دیالکتیکی مسائلی چند از جهان‌شناسی فلسفی تشیع شیخی (تهران: نگاه، بی‌تا)، ص ۶۰، ۸۷، ۸۸.

اتکای آنان در برابر مجتهدان و روحانیان متشرعه و نیز محل مورد دسترس همه پیروان شیخی برای تبلیغ و آموزش احکام شیخی و رفع اختلافات باشد. مسجد مهم‌ترین کانون و مرکز اجتماعی این فرقه بود که رهبر فرقه از آنجا با پیروانش ارتباط مستقیم برقرار می‌کرد. از این‌رو حاج آقا علی، تاجر شیخی، در سال ۱۲۸۶ ق (۱۸۶۹ م) در حاشیهٔ قیصریهٔ ابراهیم‌خان و در جنب کاروانسرای خود برای تأمین نیازهای معنوی و مذهبی پیروان شیخی و جذب مسافران و تجار و بازرگانان غیربومی به تأسیس مسجدی به نام چهل ستون اقدام کرد.^{۷۷} این مسجد به نام خود او یعنی حاج آقا علی نیز موسوم شد که امامت، وعظ و سخنرانی در آن به شیخیه اختصاص داشت.^{۷۸}

بنابر منابع شیخیه، حاج محمدکریم‌خان با پند و اندرز و موعظه سعی کرد تا عوام را به مذهب خود متمایل کند. به عنوان نمونهٔ حاج محمدکریم‌خان در این مسجد اذان ظهر می‌گفت و با این رفتار پیروان این طریقه را به حضور در مسجد تشویق می‌کرد^{۷۹} و بدین وسیله بخشی از اصول و اعتقادات شیعه و شیخیه را به آنان آموزش می‌داد. وی در جمعه و دیگر ایام هفته پس از برگزاری نماز به منبر می‌رفت و فضایی از امامان معصوم روایت می‌کرد که کمتر شنیده شده بود. همچنین با نقل احادیثی از آنان، برای اثبات حقانیت طریقهٔ خود و جلب قلوب مردم تلاش می‌کرد.^{۸۰} او برای نیل به هدف خود، از استناد به اخبار و روایاتی غیر معتبر نیز ابایی نداشت. به عنوان نمونه حدیثی از امام صادق (ع) را با این مضمون روایت می‌کرد، که چهار تن از سید و سیزده یاران امام دوازدهم (عج) از اهل کرمان هستند.^{۸۱} شاید هدف استناد به چنین روایاتی، آشنایی مخاطبان با رکن رابع بوده باشد. افزون بر وعظ در مسجد، حاج محمدکریم‌خان همچنین با بهره‌گیری از فرصت ماه‌های محرم و رمضان سخنرانی‌های منظمی را در خانهٔ خود و نیز در مسجد چهل‌ستون در شهر کرمان و قریهٔ لَنگَر^{۸۲} برگزار می‌کرد. او در تفسیر آیات قرآن، عباراتی از دعا‌های جامعۀ کبیره را برای مستمعین قرائت و تفسیر می‌کرد، آن‌گاه دو اصل اعتقادی توحید و امامت، را شرح می‌داد.^{۸۳} آورده‌اند که وی

۷۷. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۱۰ - ۱۰۸.

۷۸. رساله کاتب کرمانی، ص ۴۲۴، ۴۲۵، ۵۳۰.

۷۹. رضوی، ص ۹۳.

۸۰. کلانتر کرمانی، گ ۸۳.

۸۱. محمدخان کرمانی، لولو منثور، نسخه خطی (کرمان: کتابخانه شیخیه، شمارهٔ د-۳۴): تصویر آن در (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شمارهٔ ۱/ ۹/ ۲۱۳BPM)، گ ۳۲.

۸۲. روستایی ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی کرمان در محدودهٔ کوه جویار و ماهان.

۸۳. محمدکریم‌خان کرمانی، مواظط مرحوم حاج محمدکریم‌خان مشتمل بر ۲۷ موعظه، ص ۱۰، ۱۰۹، ۱۴۶، ۲۳۲، ۳۷۸ و ۳۷۹؛ عبدالعلی

ادیب‌الملک، «نامه‌ها»، راهنمای کتاب، به کوشش سعید اعتماد مقدم، س ۱۵، ش ۱-۲، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱)، ص ۱۱۷.

نه تنها دو سال متوالی را به تفسیر کلمه «هو» اختصاص داد، بلکه در طی چهارده سال فقط آیه نور را تفسیر کرد.^{۸۴}

راهبرد حاج محمدکریم خان در سخنرانی‌ها در مورد «خواص» که از معلومات و آگاهی بالاتری برخوردار و احتمالاً از فارغ‌التحصیلان مدرسه ابراهیمیه بودند، تفاوت داشت. مجموعه سخنرانی‌های او برای این گروه، علمی‌تر و تخصصی‌تر بود. او در ماه رمضان در اهمیت این ماه و شب قدر و وجوب روزه و شب قدر سخن می‌گفت. سپس با استناد به ملا محسن فیض و دلایل عقلانی و روایی در مورد زمان روزه، احکام و مسائل روزه و مبطلات آن توضیح می‌داد.^{۸۵}

بدین ترتیب مسجد شیخیه نقش ارزنده‌ای را در گسترش شیخی‌گری در کرمان داشته است. آن‌چنان که امام این مسجد از رهبران و علمای شیخیه بود، که با برپایی نماز جماعت و سخنرانی در آنجا پیروان شیخیه را با اصول اعتقادی و فقهی این مکتب آشنا می‌کرد. این سنت با حاج محمدکریم خان آغاز شد و دیگر مشایخ این فرقه آن را پس از وی دنبال کردند، به‌طوری که این شیوه، سنتی برای مشایخ شیخیه شد. فرزند حاج محمدکریم خان، حاج محمدخان (درگذشت: ۱۳۲۴ قمری) در ماه‌های جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی، رجب و شعبان در روزهای جمعه و شنبه در شهر کرمان جلسات سخنرانی داشت. محتوای این سخنرانی‌ها، مجموعه مواعظی در خصوص فضایل و مناقب اهل بیت و تزکیه نفس بود. سپس به مباحثی در فلسفه وجودی نبوت، پیامبران، انسان‌شناسی و اخلاق می‌پرداخت.^{۸۶} در این جلسات و سخنرانی‌ها، رؤسای شیخیه نیز حاضر می‌شدند. اغلب این مواعظ و سخنرانی‌ها در مسجد چهل‌ستون کرمان (حاج آقا علی)، و به مدت ده روز در قریه لنگر برگزار می‌شد. بدین ترتیب برقراری جلسات دینی که ابتدا به وسیله ابراهیم خان به شکل ساده آغاز شده بود، به سنتی در دوره «آقای اول» حاج محمدکریم خان و «آقای ثانی» حاج محمدخان،^{۸۷} تبدیل شد. این دو تن جلسات مذکور را به صورت منظم‌تر برگزار کردند و از آنجا که از علوم قرآنی، تفسیری و کلامی آگاهی داشتند، سخنرانی‌هایشان از عمق و غنای بیشتری برخوردار بود.

۸۴. مدرسی چهاردهی، از احساء تا کرمان، ص ۳۸.

۸۵. محمدخان کرمانی، «رساله فی بعض مسائل الصوم»، رسائل مرحوم آقای حاج محمدخان کرمانی، نسخه خطی (کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره د-۱)؛ تصویر آن در (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره ۱/ ۴۳۳۳ م ک/ ۲۱۳ BPM).

۸۶. محمدخان کرمانی، مواعظ حاج محمدخان کرمانی، به تقریر محمدمهدی حسنی رفسنجانی، به نقه عبدالمهدی مرتضوی (کرمان: چاپخانه سعادت، بی‌تا)، ص ۳، ۲۷، ۴۳، ۷۸، ۱۲۸، ۱۵۶، ۳۱۰، ۳۵۵؛ مدرسی چهاردهی، ص ۳۸.

۸۷. مدرسی چهاردهی، ص ۳۹. (هر چند بنا بر منابع شیخیه و تحقیقات جدید حاج محمدخان جانشین بلافضل پدرش حاج محمدکریم خان شد اما پس از حاج محمدکریم خان، پسر ارشد او حاج محمدرحیم خان (درگذشت: ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۹۰ م) رهبر شیخیه کرمان گردید. نک: احمدی کرمانی، ص ۲۸۶.

از آنجا که پیروان طریقه شیخیه به کاردکردهای دینی و اجتماعی مسجد پی برده بودند برخی از تجار و متمولان سعی کردند تا با برقراری موقوفاتی رونق و رفاه را برای مسجد چهل ستون تأمین کنند. همان طور که گفته شد احتمالاً رهبران شیخیه نیز به این موضوع پی برده بودند که بخشی از آثارشان را به موضوع وقف اختصاص می دادند. به عنوان مثال حاج آقا علی تاجر در سال ۱۲۹۵ ق (۱۸۷۸ م) برای این مسجد موقوفاتی قرار داد و درآمد حاصله از آن ها را به مسجد اختصاص داد. بنابر نص وقف نامه املاک موقوفه عبارت بود از: نه حبه^{۸۸} و نیم از مزرعه نصیرآباد واقع در حومه شهر کرمان در حوالی دو روستای فتح آباد و اختیارآباد با تمامی متعلقاتش یعنی اراضی، صحراها (مراعات متعلق در حریم آن) چشمه ها و نه‌رهای آب.^{۸۹}

حاج آقا علی در سال ۱۳۰۲ ق (۱۸۸۵ م) تیمچه واقع شده در جنب مسجد، و بازار و دکان ها و حجره های جدید واقع شده در شرق بازار کیامحمد و آب انبار تازه تأسیسی که از بناهای خود او بود و در محله سید علویان^{۹۰} قرار داشت، را بر املاک وقفی افزود.^{۹۱} سپس آقا شیخ علی،^{۹۲} پسر شیخ حسن بحرینی را بعد از خود متولی موقوفه قرار داد. افرادی نیز به عنوان شاهد صحت این وقف نامه را تأیید کردند که از میان آنان می توان به حاج محمدخان، رحیم بن ابراهیم و محمد بن علی اشاره کرد. سپس با مهر حاج آقا علی این وقف نامه جنبه رسمی پیدا کرد.^{۹۳}

حاج آقا علی موارد مصرف درآمد حاصله از املاک موقوفه را چنین برشمرده است: عשרی (یک دهم) از درآمد به عنوان حق التولیه به متولی اختصاص داشت. نه عشر (نه دهم) باقی مانده دیگر از درآمد می بایست طبق نظر واقف صرف امورات مسجد می گردید. چنان که از محل همین درآمد

۸۸. حبه: اصطلاحی برای مقیاس زمین و آب در کرمان است. در ایالت کرمان هر ملک شش دانگ و هر دانگ به ۱۶ حبه تقسیم می شود که جمعاً هر ملک شش دانگی ۹۶ حبه را شامل می گردد. همچنین میزان سهم بری هر یک از مالکان از آب قنات براساس حبه است. آن چنان که مالک یک حبه زمین یک ساعت و نیم از آب قنات سهم دارد (محمد ابراهیم یاستانی پاریزی، جامع المقدمات، تهران: علم، ۱۳۸۱)، ص ۲۱۳ و ۶۸۹.

۸۹. فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر دوم استان کرمان، به کوشش امید رضایی (تهران: اسوه، ۱۳۸۲)، وقف نامه حاج آقا علی، ص ۲۱۵. وقف نامه حاج آقا علی ۱ با این مشخصات نگهداری می شود: کرمان: سازمان اوقاف و امور خیریه شهر کرمان، اداره اسناد، شماره ۸۵۵/ج/۹۴.

۹۰. این محله به نام علویان نیز معروف است (سعید محرابی کرمانی، تذکره الاولیاء محرابی کرمانی یا مزارات کرمان، به کوشش حسین کوهی کرمانی، کرمان: کرمان شناسی، ۱۳۸۳)، ص ۱۲۳.

۹۱. فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر دوم استان کرمان، ص ۲۱۴.

۹۲. شیخ علی، از برادرزادگان شیخ نعمت الله بحرینی امام جمعه کرمان (درگذشت: ۱۲۵۰ ق/۱۸۳۴ م) پیشوای شیخیه در بم بود.

وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۹۰.

۹۳. فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر دوم استان کرمان، ص ۲۱۴.

مستمری به امام جماعت مسجد، که الزاماً از میان علمای شیخی تعیین می‌گردید، پرداخت می‌شد. نیز بخش دیگری از درآمد نیز به عنوان حق‌الزحمه به مداحان، مرثیه‌خوانان، خدام و مؤذن مسجد اختصاص داشت. تأمین سایر هزینه‌های امکانات رفاهی و آسایشی مسجد: مانند روغن چراغ، شمع، روشنایی و تهیه بویا و فرش از این بخش درآمد موقوفه زیر نظر متولی پرداخت می‌گردید. بنابر نظر واقف در صورت تخریب قنات و کاهش میزان محصولات کشاورزی و نقصان درآمد، متولی می‌بایست با استقراض از افراد توانمند هزینه‌های مسجد را تأمین کند، سپس در سال آتی با درآمد به‌دست‌آمده از فروش محصولات به بازپرداخت بدهی اقدام کند.^{۹۴} در حقیقت واقف با گنجانیدن این موضوع در نص وقف‌نامه در صدد بود تا مسجد چهل‌ستون برای همیشه رونق خود را حفظ کند.

البته مسجد حاج‌آقاعلی (چهل‌ستون) تنها مسجد شیخیه نبود، بلکه آنان مساجد دیگری مانند مسجد بازار شاه را نیز در تصرف داشتند، که از اهمیت کمتری برخوردار بود. مسجد بازار شاه در حدود نیم قرن در دست شیخیه باقی ماند، و مرکز فعالیت‌های دینی و اجتماعی فرزندان حاج محمد کریم‌خان محسوب می‌شد. یکی از برادران حاج محمدخان (به‌احتمال قاسم‌خان) امامت مسجد را داشت و در آنجا به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت.^{۹۵}

در جنبش مشروطه‌خواهی که با هرج و مرج و بی‌نظمی در کرمان همراه بود برخی از احزاب و موسسات جدید مانند انجمن ایالتی و ولایتی در این شهر ظهور کرد که افرادی از شیخیه هم در آن‌ها عضویت داشتند. همین تحول به کاهش تدریجی کارکردهای سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین مسجد شیخیه، یعنی مسجد حاج‌آقاعلی، منجر شد. به‌ویژه آنکه با انتخاب یکی از افراد شیخی به عنوان وکیل در مجلس شورای ملی، رهبر این فرقه برخی مسئولیت‌هایش را به او واگذار کرد.^{۹۶} با افزایش شمار شیخیان و تثبیت موقعیت جایگاه شیخیه در کرمان، به‌تدریج اندیشه‌های حاج محمدکریم‌خان در شهرهای دیگر این ولایت - مانند بم، رفسنجان و سیرجان - طرفدارانی یافت.^{۹۷} البته دربارهٔ چگونگی ورود و نفوذ فرقهٔ شیخیه در این شهرها اطلاع دقیقی در دست نیست، اما بر پایهٔ برخی شواهد و اسنادی که در دست است، می‌توان دربارهٔ این گسترش گمانه‌زنی کرد.

رفسنجان و بم، چنان‌که پیشتر اشاره شد، دو شهر مهم تجاری و بزرگ ولایت کرمان بودند که تجار و بازرگانان به آن‌ها رفت و آمد می‌کردند. این گروه نقش مهمی در ترویج عقاید و آراء

۹۴. فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر دوم استان کرمان، ص ۲۱۴.

۹۵. رساله کاتب کرمانی، ص ۴۱۶؛ رضوی، ص ۱۷۴.

۹۶. ابوالقاسم‌خان ابراهیمی، ج ۱، ص ۲۹.

۹۷. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۹۰، ۲۸۲؛ محمد ابراهیم باستانی پاریزی، پیمبر دزدان (تهران: علم، ۱۳۸۶)، ص ۵۶۲ و ۵۶۳.

اصلاح طلبانه در شهرها داشتند.^{۹۸} در این دو شهر و نیز در سیرجان تعدادی از تجار به فعالیت‌های تجاری مشغول بودند. آنان در کنار داد و ستدهای بازرگانی‌شان، به ساخت و احداث امکنه عام‌المنفعه مانند: پل، کاروان‌سرا، آب‌انبار، بازار و مسجد می‌پرداختند. یکی از این تجار موسوم به حاج‌آقا علی اغلب در رفسنجان اقامت داشت.^{۹۹} وی به مسلک شیخیه روی آورد و از مریدان و پیروان مکتب حاج محمدکریم‌خان شد. او منشاء آثار و بناهایی (مانند مسجد، حوض، کاروانسرا) در شهر کرمان گردید که تا امروز در این شهر باقی است.^{۱۰۰} به نظر می‌رسد در پی تبلیغات او در رفسنجان، عقاید و آرای شیخی در این شهر و اطراف آن گسترش یافت و به زودی رفسنجان یکی از کانون‌های اصلی شیخیه شد، چنان‌که یکی از روستاهای رفسنجان به نام کمال‌آباد، خود از مراکز مشایخ شیخیه شد. پیروان مذهب شیخیه در رفسنجان چنان افزایش یافت که مستقلاً برای خود مسجدی بنا کردند.^{۱۰۱} نماینده حاج محمدکریم‌خان در رفسنجان، آقا محمدباقر رفسنجانی بود.^{۱۰۲} از دیگر نمایندگان شیخی شناخته‌شده در این شهر حاجی میرزا محمدعلی و آقا محمدجواد شریف بودند.^{۱۰۳} چنین به نظر می‌رسد گسترش طریقه شیخیه در شهر تجاری بم نیز، مرهون نقش تجار و بازرگانان بوده است. علاوه بر نقش تجار، برادرزاده شیخ نعمت‌الله بحرینی - عالم اخباری و امام جمعه کرمان - موسوم به آقا شیخ علی در شهر بم، عاملی دیگر در گسترش شیخیه در این شهر بود.^{۱۰۴}

در پی گسترش شیخیه، حاج محمدکریم‌خان به سبب پشتوانه مالی و حکومتی، تشکیلات ویژه‌ای را برای امور و گسترش این فرقه در نظر گرفت و یک منشی به نام میرزا حسین اصفهانی

۹۸. برخی از تجار به واسطه فعالیت‌های علمی‌شان معروف بودند و مطالعات آنها بیشتر در زمینه علوم دینی، عربی، شعر، خوشنویسی و ادبیات بود. این گروه اجتماعی بیشتر از دیگر گروه‌های جامعه، مشترکات فراوانی با علما داشتند. بین این دو قشر به علل شغلی روابط نزدیکی وجود داشت. به عنوان نمونه تجار برای انعقاد عهدنامه‌های تجاری به نظر علما و روحانیون دینی نیاز داشتند تا فعالیت‌های تجاری‌شان منطبق بر شرع اسلامی باشد. از سوی دیگر غیردولتی بودن نهاد روحانیت در جامعه ایران و پرداخت خمس و وجوهات شرعی از سوی تجار و بازرگانان به علما و روحانیان، بی‌نیازی آنان را از نظر مالی و اقتصادی از سایر اقشار جامعه و وابستگی آنان را به این گروه اجتماعی موجب می‌شد. تجار از نظر ذهنی خیلی مذهبی بودند و بسیاری از آنها به زیارت مکه می‌رفتند. بدین ترتیب بین دین و قشر پیوندهای خانوادگی برقرار شد. بسیاری از تجار با خیرات و میراث نیازهای جامعه را رفع می‌کردند؛ فلور، ج ۲، ۱۵۴-۱۵۱.

۹۹. باستانی پاریزی، پیمبردزدان، ص ۴۲۰.

۱۰۰. احمدی کرمانی، ص ۳۱۰.

۱۰۱. وزیری، جغرافیای کرمان، تعلیقات باستانی پاریزی، ص ۲۸۲.

۱۰۲. باستانی پاریزی، پیمبر دزدان، ص ۵۶۳.

۱۰۳. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۲۹۸.

۱۰۴. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۹۰.

برای خود برگزید،^{۱۰۵} که از وظیفه و نقش او در گسترش دعوت شیخیه اطلاعی در دست نیست. پس از معرفی مکتب شیخیه از سوی رهبران و علما این فرقه، به تدریج برخی از بزرگان و افرادی دارای نفوذ و اعتبار به این مسلک علاقه‌مند شدند. به عنوان نمونه در سال ۱۳۰۴ ق میرزا جواد، پسر آقا سید رحیم تفرشی (وزیر کرمان) شیخی بود و برای آشنایی فرزند خود با اصول عقاید شیخی (توحید، نبوت، امامت، رکن رابع) معلمی به نام غلامحسین برای وی برگزید. بی‌گمان حضور این افراد و تشکیلات حکومتی، پشتیبان‌های برای اعضای جامعه شیخی محسوب می‌شد و در توسعه و شیوع شیخی‌گری در کرمان بسیار موثر واقع گردید. در کنار آموزگاران شیخی، افرادی دیگری به نام ملا وجود داشتند، که از معتقدین به شیخیه محسوب می‌شدند. این‌ها با احکام و عقاید شیخیه آشنایی داشتند و با تبلیغات خود در جلب توده مردم به شیخی‌گری گام موثری برداشتند. ملا محمد جویری با برخی اعمال و رفتار سنجیده و عاقلانه می‌کوشید تا بر تعداد معتقدین به شیخیه بیفزاید. گاهی اوقات آموزگاران شیخی مانند ملا غلامحسین برای جلوگیری از افزایش پیروان رقیب خود یعنی بابیه به شدت بر مراسلات این فرقه نظارت داشتند، و سعی می‌کردند از محتویات نامه‌های میان پیروان بابیه در دو شهر یزد و کرمان آگاهی یابند.^{۱۰۶}

نتیجه‌گیری

محیط اجتماعی و عقیدتی کرمان در دوره قاجار زمینه بسیار مناسبی برای ظهور مسلک شیخی‌گری شد. حضور برخی از مریدان شیخ احمد احسائی در این شهر اولین سرچشمه‌های نفوذ شیخی‌گری در کرمان به شمار می‌آید. به‌ویژه آن‌که حکمران کرمان، ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، خود اعتقادات شدید مذهبی داشت و به احتمال تحت تأثیر فتح‌علی‌شاه قاجار برای علمای دینی احترام فراوان قائل بود. از این‌رو پس از آگاهی از حضور شیخ احمد احسائی در یزد با وی ارتباط برقرار کرد و شیفته وی شد. وجود برخی از فرق و مذاهب نیز در این شهر راه را برای توسعه شیخیه هموار کرد. حاج محمدکریم‌خان به‌منظور تثبیت عقیده شیخی‌گری در این شهر با برگزاری سخنرانی و مواعظ و تبلیغ عقاید شیخیه در مسجد روابط اجتماعی شیخیه را با دیگر فرق سازمان داد. همچنین حاج محمدکریم‌خان به‌منظور نیل به رهبری شیخیه و برتری این مذهب بر سایر مذاهب این شهر با در اختیار گرفتن امکانات مدرسه ابراهیمیه و تبدیل آن به مؤسسه علمی - آموزشی شیخیه گام

۱۰۵. میرزا حیدرعلی اصفهانی، بهجت‌الصدور (بمبئی: بی‌نا، ۱۳۳۱ق)، ص ۱۹.

۱۰۶. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۵۸؛ براون، ص ۴۷۰، ۴۸۴-۴۸۳.

مهمی در ترویج شیخی‌گری در کرمان برداشت. در واقع حاج محمد کریم‌خان و دیگر رهبران شیخی با تألیف و تدوین و کتب و رسائل فقهی و کلامی در استقلال شیخیه شاخه کرمان بسیار موثر بودند. دیگر رهبران شیخی نیز در دوره زعامتشان در مسجد اختصاصی شیخیه به تبلیغ و ترویج عقاید شیخی پرداختند. در کنار این اقدامات، تجار و بازرگانان نیز در توسعه شیخیه در ولایت کرمان نقش مؤثر داشتند. از میان آنان می‌توان به حاج آقا علی تاجر رفسنجانی اشاره کرد، که با تأسیس مهم‌ترین کانون اجتماعی شیخیه کرمان، مسجد چهل‌ستون، نقش برجسته‌ای در گسترش شیخی‌گری در این شهر داشت. همچنین گسترش شیخیه در برخی شهرها و مناطق دیگر به وسیله تجار شیخی انجام می‌گرفت. بدین ترتیب پس از ظهور این مکتب تازه تأسیس به‌منظور ترویج عقیده شیخی‌گری سیر دعوت شیخی به وسیله هر یک از رهبران و مبلغان شیخی به صورت یک برنامه منظم و منسجم دنبال شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابراهیمی، ابوالقاسم‌خان. فهرست کتب مشایخ عظام. کرمان: چاپخانه سعادت، بی‌تا.
- ابراهیمی، عبدالرضا. چهل مسئله در جواب سوالات حسن مجرد. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۴.
- احسائی، احمد بن زین‌الدین. ترجمه حیوة النفس. ترجمه سید کاظم رشتی. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۳.
- احسائی، عبدالله. رساله شرح حالات شیخ جلیل اوحد مرحوم شیخ احمد احسائی اعلی الله مقامه. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ق.
- احمدی کرمانی، یحیی. فرماندهان کرمان. تصحیح و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم، ۱۳۷۱.
- ادیب‌الملک، عبدالعلی. «نامه‌ها». راهنمای کتاب. به کوشش سعید اعتماد مقدم. س ۱۵. ش ۲-۱. فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱. ص ۱۱۷.
- اصفهانی، میرزا حیدرعلی. بهجت الصدور. بمبئی: بی‌نا، ۱۳۳۱ق.
- الگار، حامد. دین و دولت: نقش علما در دوره قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس، ۱۳۶۹.
- امین، سید محسن. اعیان الشیعه. ج ۲. بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. آسیای هفت سنگ. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۳۶.
- _____ پیغمبر دزدان. تهران: علم، ۱۳۸۶.
- _____ جامع المقدمات. تهران: علم، ۱۳۸۱.
- بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴. ج ۵. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷.
- براون، ادوارد. یک سال در میان ایرانیان. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: اختران، ۱۳۸۶.

- چهاردهی، نورالدین. *از احساء تا کرمان: درباره عقاید و آداب مراسم مذهبی شیخیه*. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۶۲.
- حسینی، سید عبدالحجّه. *تاریخ تهران قسمت مرکزی و مضافات*. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- حمید، حمید. *الهیات و دیالکتیکی مسائلی چند از جهان شناسی فلسفی تشیع شیخی*. تهران: نگاه، بی‌تا.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ. *سفرنامه خانیکوف*. ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- خداوردی تاج‌آبادی، محمد. «ابراهیمیه: نهاد شیخیه آموزشی شیخیه در کرمان عصر قاجار». *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*. ش ۱۲. پاییز و زمستان ۱۳۸۹. ص ۱۷۳-۱۵۷.
- رساله کاتب کرمانی. به تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم، ۱۳۷۱.
- رضوی، میرزا نعم‌الله. *رساله تذکره الاولیاء در شرح احوال حاج محمد کریم‌خان*. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ق.
- رشتی، سید کاظم. *دلیل المتحیرین*. بی‌جا: عسگر سلیمانیان، بی‌تا.
- شیروانی، میرزا زین‌العابدین. *ریاض السیاحه*. به تصحیح و مقابله اصغر حامد. تهران: سعدی، ۱۳۳۹.
- طهرانی، شیخ آغا بزرگ. *الذریه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۳م.
- فلور، ویلم. *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس، ۱۳۶۶.
- فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر دوم استان کرمان. به کوشش امید رضایی. تهران: اسوه، ۱۳۸۲.
- کرین، هنری. *مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی*. ترجمه فریدون بهمنیار. تهران: تابان، ۱۳۴۶.
- کردی کریم‌آبادی، رضا. *فرهنگ نام‌های رجال علمی و مشاهیر فرهنگ کرمان از آغاز اسلام تا پایان عصر قاجار*. کرمان: کرمان‌شناسی، ۱۳۸۷.
- کرمانی، زین‌العابدین‌خان. *نورالعیون*. نسخه خطی. کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره هـ-۲۱. تصویر کتاب در تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۹ ن ۳۸ ک/۲۱۳ MPM.
- کرمانی، محمدخان. *ترجمه رساله وجیزه*. به خط حاج محمدخان کرمانی. نسخه خطی. کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره د-۳۸. تصویر کتاب در تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۲ ن/۴۰۴۱ ت ۴ ک/۱۸۴/۴۵ BPM.
- _____ *رساله علل الاحکام*. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۰.
- _____ «رساله فی بعض مسائل الصوم»، *رسائل مرحوم آقای حاج محمدخان کرمانی*. نسخه خطی. کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره د-۱. تصویر کتاب در تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۱ ن/۴۳۴۳ م ک/۲۱۳ BPM.
- _____ *کشکول*. به قلم حاج محمدخان کرمانی. یادداشت‌هایی به صورت کشکول از حاج‌زین‌العابدین‌خان، نسخه خطی. کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره هـ-۲۴. تصویر کتاب در تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۵ ک ۳ الف ۲۱۳ BPM.
- _____ *لولو منثور*. نسخه خطی. کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره د-۳۴. تصویر کتاب در تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۱ ن/۹۷ ک/۲۱۳ BPM.

- _____ مصباح السالکین. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۷۶ق.
- _____ مواعظ حاج محمدخان کرمانی. تقریر محمد مهدی حسنی رفسنجانی. به نفقه عبدالمهدی مرتضوی. کرمان: چاپخانه سعادت، بی تا.
- _____ کرمانی، محمد کریم خان. ارشاد العوام. کرمان: چاپخانه سعادت، بی تا.
- _____ رساله الفبا و هدیة الصبیان. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ق.
- _____ «رساله در استدلال بر طهارت ماء قلیل بملاقات نجاست در صورت عدم تغییر اوصاف ثلثه.» مجمع الرسائل فارسی. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۵۵.
- _____ رساله رکن رابع. کرمان: مدرسه مبارکه ابراهیمی، ۱۳۶۸ق.
- _____ رساله مجمع الفتاوی. به تقریر و قلم حاج زین العابدین خان، نسخه خطی. کرمان: کتابخانه شیخیه، شماره هـ-۲۳. تهران: تصویر کتاب در تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر تهران، شماره ۲/ ۵۵۱ / BMP ۲۱۳/۴۵.
- _____ رساله معروف به چهار فصل. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۶۴ق.
- _____ مواعظ مرحوم حاج محمد کریم خان مشتمل بر ۲۷ موعظه. کرمان: چاپخانه سعادت، بی تا.
- _____ هدیة الطالبین. کرمان: چاپخانه سعادت، ۱۳۸۰ق.
- _____ کلانتر کرمانی، میرزا ابوالحسن. احوال علما و فضلاء و عرفاء و اطباء و منجمین. نسخه خطی، تهران: مجموعه ناصری مرکز اسناد و آرشیو کاخ گلستان، شماره ۸.
- _____ متدین، محمود. تاریخ کرمان به انضمام رویدادهای صد سال اخیر کرمان. کرمان: فروشگاه همت کرمان، ۱۳۶۴.
- _____ محرابی کرمانی، سعید. تذکره الاولیاء محرابی کرمانی یا مزارات کرمان. به کوشش حسین کوهی کرمانی. کرمان: کرمان شناسی، ۱۳۸۳.
- _____ مدرسی چهاردهی، مرتضی. شیخ احمد احسائی. تهران: علی اکبر علمی، ۱۳۳۴.
- _____ شیخی گری، بابی گری از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع. تهران: فروغی، بی تا.
- _____ نائینی، محمدجعفر بن محمد حسین. جامع جعفری، تاریخ یزد در دوران زند و عصر سلطنت فتحعلی شاه. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
- _____ نجفی، سید محمدباقر. بهائیان. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷.
- _____ وزیری، احمدعلی خان. تاریخ کرمان. به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علمی، ۱۳۷۵.
- _____ جغرافیای کرمان. به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم، ۱۳۸۵.
- Floyer, Ernest Ayscoghe, *Unexplored Baluchistan, A Survey, with Observation Astronomical, geographical, botanical*. London: Griffith & Farran, 1882.